

MLJ

مجله حقوق پزشکی

دوره پانزدهم، شماره پنجاه و ششم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

هرزه نگاری رایانه‌ای در مفهوم بیماری (انحراف): معیارها و دلایل

صالح غفاری چراتی^{۱*}، اسماعیل هادی تبار^۲، سیدابراهیم قدسی^۳

۱. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هرزه نگاری رایانه‌ای به معنای ارتکاب رفتارهای سرزنش‌پذیر قطعی و سرزنش‌پذیر مشروط که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی باشد، تعریف می‌گردد. تعریفی که حقوق‌دانان آرایه می‌دهند مبتنی بر قانون و متفاوت از تعریف جرم‌شناسان، روان‌شناسان و روان‌پزشکان است. از نگاه حقوقی، هرزه نگاری رایانه‌ای جرم و مجازات کیفری نیز دارد؛ اما از دیدگاه‌های پیرا حقوقی هرزه نگاری رایانه‌ای در مفهوم بیماری و انحراف نیز قرار می‌گیرد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش، یک تحقیق کیفی است و با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی معیارها و دلایل مبنایی هرزه نگاری رایانه‌ای می‌پردازد. توصیف مطالب از طریق تبادل نظرات و مذاقه در نظریه‌های موجود، بستر مباحث را تشکیل خواهد داد. نگارش این نوشتار بدین صورت است که یک درک مشخص از «هرزه نگاری رایانه‌ای» به عنوان چارچوب اصلی در نظر گرفته خواهد شد و بر این اساس معیارهای اثباتی و نفیی و دلایل بیماری و انحراف محسوب شدن در بوته سنجش قرار می‌گیرد.

یافته‌ها: یافته‌های نوشتار حاضر حاکی از این است که؛ هرزه نگاری رایانه‌ای، به نظر در زمره رفتارهای غیراجتماعی (انحراف) و بیماری می‌باشد. فلذا با تبیین معیارها و دلایل آن و با بیماری محسوب شدن هرزه نگاری رایانه‌ای، جرم انگاری و کیفرگذاری آن نیز بایستی متفاوت با رویکرد قانونی حاضر باشد. در نهایت، به متولیان سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌گردد جزء هرزه نگاری کودکان، دیگر گونه‌های هرزه نگاری از زرادخانه حقوق کیفری حذف و تحت عنوان انحراف و بیماری، با پاسخ‌های جامعه‌ای با رویکرد پیشگیرانه، درمانی و اصلاحی مواجهه شوند.

ملاحظات اخلاقی: مقاله حاضر از ابتدا تا انتها به اصول اخلاقی، صداقت، رازداری و اصل مالکیت مادی و معنوی پایبند است.

نتیجه‌گیری: با از بین رفتن معیارها و دلایل جرم انگاری این پدیده، به نظر می‌رسد هرزه نگاری رایانه‌ای (جز هرزه نگاری کودکان) بایستی وصف مجرمانه‌اش زدوده شود. با خروج هرزه نگاری از نظام کیفری سخت‌گیرانه، نهادهای جامعه‌ای و هیات‌های اجتماع با پاسخ‌های جامعه‌ای نظیر؛ تقبیح عمومی، فشار نهادهای مردمی، پاسخ‌دهی پزشکان و روانشناسان، سرزنش خانواده و نهادهای غیررسمی نتیجه‌ای مثبت و مطلوبی را می‌توان انتظار داشت. با ورود پاسخ‌های جامعه‌ای، درمانی، تربیتی، پیشگیرانه و اصلاحی متعاقب انحراف و بیماری محسوب شدن هرزه نگاری رایانه‌ای، تبعات و آثار مخرب پاسخ‌های دولتی نظیر؛ اقتدارگرایی، امنیت‌گرایی و بی‌ارزش شدن کیفرها نیز از بین می‌رود. فلذا پیشنهاد می‌شود با نگاه چند بعدی به پدیده هرزه نگاری رایانه‌ای، از نگاه تک بعدی حقوقی محض خارج شوند و مبارزه و پیشگیری با این پدیده را به نهادهای جامعه‌ای با رویکرد پیشگیرانه، درمانی و اصلاحی بسپارند. در نهایت به عنوان پیشنهاد حقوقی-جرم‌شناختی به نظر می‌رسد مبارزه با این پدیده را بایستی به نهادهای اصلاحی و درمانی با رویکرد تربیتی واگذار کرد؛ البته در مبارزه با هرزه نگاری کودکان اقدامات کیفری و استفاده از سازوکارهای جرم انگاری، کیفرگذاری و کیفردهی ضروری است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

واژگان کلیدی:

هرزه نگاری رایانه‌ای

بیماری

انحراف

حقوق پزشکی

اصلاح و درمان

* نویسنده مسؤول:

صالح غفاری چراتی

آدرس پستی: ایران، بابلسر، دانشگاه مازندران.

کد پستی: ۴۷۴۱۶-۱۳۵۳۴

تلفن: ۱۱-۳۲۲۸۵۸۰۱

پست الکترونیک:

salehghafari93@gmail.com

۱. مقدمه

جوامع انسانی و استقرار نظام ارزشی، الگوی متفاوتی را در راستای زیست متقابل انسان‌ها ایجاد کرده است که در این میان عدم تعرض به حریم و محدوده‌ی حقوق اشخاص چارچوبی طرح‌های حمایتی و حفاظتی از ارزش‌ها و هنجارهای انسانی را تشکیل داده است. تجمع انسانی و روابط تنگاتنگ افراد و لزوم تعادل میان آنها قواعد و مقررات مخصوصی را می‌طلبد که دستگاه قانون‌گذاری عهده‌دار آن است. امروزه تنوع رفتاری انسان‌ها و وابستگی شدید مناسبات اجتماعی و فرهنگی به فضای مجازی باعث شده است که نوع جدیدی از جامعه‌ی بشری و زیستگاه انسانی با عنوان «فضای مجازی» ظهور نماید و انسان اجتماعی را در نوسان میان فضای حقیقی و مجازی، به عنصر متغییر تبدیل نماید که این بخش از زندگی انسان، همانند فضای حقیقی او نیازمند به کارگیری ساز و کارها و ابزارهای حقوقی لازم برای حفظ تعادل او در راستای حفظ حقوق خود خواهد بود. بنابراین تمامی ارزش‌ها و هنجارهای فضای حقیقی و متعاقب آن حقوق و تکالیف مرتبط با آن به فضای مجازی منتقل شده است، به‌طوری که می‌توان گفت، فضای مجازی به حقیقتی انکارناپذیر تبدیل شده است (۱). امروز در حاشیه‌ی گسترش فضای مجازی می‌توان از افتراقی شدن بزهکاری و تنوع چرخه‌ی جنایی صحبت به میان آورد که منجر به سهولت بزهکاری و احتمال پایین دستگیری بزهکاران در فضای مجازی خواهد شد و سیاست جنایی مقابله با این جرایم نیز به سمت فنی شدن پیش رفته است. در چنین شرایطی و با ظهور فضای جدید سیاست‌گذاران ناگزیر شدند تا حقوق و امنیت اشخاص را حمایت کنند و بدین منظور، متناسب با چنین فضایی، جرایم جدیدی وضع کنند. به طور کلی، استفاده از رایانه و ارتباطات مخابراتی برای روابط نامشروع و خلاف اخلاق و عفت عمومی یکی از چالش‌های مشترک علوم انسانی از جمله؛ جامعه‌شناسی، روانشناسی، روان‌پزشکی، اخلاق و حقوق محسوب می‌گردد. در این وضعیت، قانون‌گذار اقدام به جرم انگاری هرزه نگاری و اعمال مشابه آن کرده است (۲).

هرزه نگاری رایانه‌ای در مفهوم قانونی به معنای ذخیره، نگهداری، انتشار و توزیع آثار هرزه نگارانه در فضای مجازی از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی است. جرم انگاری تمامی گونه‌های هرزه نگاری در فضای مجازی دارای تبعات مختلفی نظیر؛ اقتدارگرایی نظام عدالت کیفری، امنیت‌گرایی سیاست جنایی، حذف پاسخ‌های جامعه‌ی، اصلاحی و درمانی و درنهایت برچسب‌زنی به هرزه نگاران می‌شود. حال پرسش اساسی نوشتار حاضر این می‌باشد که هرزه نگاری رایانه‌ای اساساً جرم بایستی محسوب شود یا بیماری (انحراف اخلاقی)؟ رویکرد قانون‌گذار نسبت به پدیده هرزه نگاری رایانه‌ای چیست؟ دلایل و معیارهای اینکه هرزه نگاری انحراف اخلاقی و بیماری است چه می‌باشد؟ بر چه مبنایی هرزه نگاری رایانه‌ای جرم انگاری شده است؟ دیدگاه‌های پیرا حقوقی نسبت به این پدیده چیست؟

۲. ملاحظات اخلاقی

نگارش این مقاله بر اصول اخلاقی و امانت‌داری و صداقت استوار و کلیه حقوق مادی و معنوی رعایت شده است.

۳. مبانی نظری پژوهش

از لحاظ مبانی نظری در خصوص هرزه نگاری رایانه‌ای، سه رویکرد نظری از یکدیگر قابل تفکیک‌اند که عبارتند از؛

۱- جرم انگاری هرزه نگاری: در این نظریه این‌گونه استدلال می‌شود که هرزه نگاری، یک رفتار ضداجتماعی و در مجموع مضر به حال جامعه است. در نتیجه جامعه نباید در قبال آن مسامحه کرده و به منحرفین اجازه منحرف کردن جامعه را دهد. از این جهت، بایستی با وضع قوانین، کلیه اشکال، صور و مصادیق این پدیده را ممنوع و برای آن مجازات تعیین کند تا از این طریق جلوی ظهور و بروز آن را در جامعه گرفته شود. این نظریه اصولاً با برخی زمینه‌های سیاسی، مذهبی، ایدئولوژیک، اخلاقی و بهداشتی مورد توجیه قرار می‌گیرد.

۲- جرم زدایی هرزه نگاری: در این نظریه که از سوی کسانی که اصالت را به فرد می‌دهند مطرح می‌شود بر حق آزادی افراد در رفتارشان تاکید شده و دخالت نهادهای دولتی و غیردولتی در محدود کردن این آزادی‌ها مورد انتقاد قرار می‌گیرد. طرفداران این نظریه این‌گونه استدلال می‌کنند که در صورت اتخاذ جرم انگاری کامل هرزه نگاری، منحرفین، برچسب مجرمانه خورده و بازگشت آنها به محیط اجتماعی و جامعه‌پذیری آن‌ها بسیار دشوار خواهد شد.

۳- قانون‌مندسازی هرزه نگاری: این نظریه تلفیقی از دو نظریه قبلی است که نه رفتار مورد بحث (هرزه نگاری رایانه‌ای) را به طور کامل ممنوع می‌داند و نه اینکه آن را به طور کامل آزاد و رها می‌سازد. از این جهت، برخی از اشکال هرزه نگاری را ممنوع و با آن برخورد شود و برخی دیگر از انواع آن را در دایره‌ی حقوق کیفری وارد نسازد. به عبارت دیگر، نه جرم انگاری کامل و نه جرم زدایی کامل. این نظریه، یک حالت تعادلی در بین نظریه‌ها است که با اصول جرم‌شناختی، روان‌شناختی، روان‌پزشکی و همچنین با اصول حقوقی سازگار است. مطابق این دیدگاه در مقابل پدیده‌ی انحرافی هرزه نگاری تسامح و تساهل نشان داده می‌شود مگر در موارد خاص مانند؛ هرزه نگاری در حد وسیع و گسترده که مضر به حال اکثریت مطلق جامعه باشد یا هرزه نگاری کودکان که رویکرد جرم انگاری مورد استفاده دستگاه تقنینی قرار می‌گیرد (۳). رویکرد نوشتار حاضر نیز براساس این مبنای نظری است؛ بدین‌گونه که هرزه نگاری کودکان که گونه غیرقابل تحمل است از اهرم‌های جرم انگاری، کیفرگذاری و کیفردهی استفاده شود؛ در مقابل دیگر گونه‌های هرزه نگاری رایانه‌ای که ساده‌تر و قابل تحمل‌ترند از سازو کارهای تربیتی، پیشگیرانه و درمانی بهره گیرند.

۴. پیشینه پژوهش

- نگهی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «مقابله با هرزه نگاری کودکان: بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی و قوانین کیفری ایران» اشاره می‌نماید، قانون‌گذار در مقابله با پدیده‌ی هرزه

نگاری رویکردی دوگانه اتخاذ کرده است. از یک سو، با رویکرد ممنوعیت مطلق هرزه نگاری به حمایت کیفری پرداخته است و از دیگر سو، در موارد بزه‌دیدگی کودکان متوسل به رویکرد افتراقی و تشدید کیفر شده است. واژه هرزه نگاری در هیچ‌یک از متون قانونی مورد استفاده قرار نگرفته است. قانون‌گذار کیفری در فصل هجدهم قانون مجازات تحت عنوان جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی به جرم انگاری اعمالی پرداخته است که دربرگیرنده‌ی هرزه نگاری نیز باشد. در مقاله مذکور نویسنده صرفاً دو دیدگاه کلی در مورد جرم انگاری یا جرم‌زدایی را مطرح کرده است و به طور مستقیم و صریح به این موضوع اشاره نشده که اساساً هرزه نگاری رایانه‌ای جرم است یا در دسته رفتارهای بیمارگونه و منحرفانه که در نوشتار حاضر با دلایل و معیارهای مختلف این موضوع مورد اشاره قرار می‌گیرد.

- عطازاده و نجفی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل موثر بر هرزه نگاری در فضای مجازی و نقش پلیس در پیشگیری و مقابله با آن» اشاره می‌دارند، نتایج حاصل از این تحقیق نشان داده است که بیشترین انگیزه در افراد برای هرزه نگاری در فضای مجازی، اعتیاد و تمایلات جنسی کاذب با وزن شاخص ۲۰/۳۸ و سهولت دسترسی و خرید محصولات مستهجن در اینترنت با وزن شاخص ۱۷/۳۱ و خلاء قوانین و مقررات با وزن شاخص ۱۵/۵۸ است. این بدان معنا است که حدود ۲۰ درصد از انگیزه‌ی اشخاص برای هرزه نگاری متعلق به افراد معتاد به سکس بوده و بدون توجه به هیچ انگیزه دیگری آنها را تحریک به ورود به اینترنت و انجام عمل وقیح می‌کند. از سوی دیگر، سهولت دستیابی به محصولات مستهجن در اینترنت از جمله فیلم، عکس، پروتزه‌های جنسی و داروئی، انیمیشن‌های جنسی، داستان‌های جنسی خانوادگی، سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان و... با استفاده از روش‌های غیرقانونی و خرید فیلترشکن در اولویت دوم هرزه نگاری قرار گرفته است. به نظر می‌رسد افزایش ضریب مراقبتی مراکز عرضه‌کننده خدمات اینترنتی از سوی پلیس امنیت اخلاقی با همکاری سایر پلیس‌های تخصصی به منظور کاهش تهدیدات

از مطلوب‌ترین راهکارها اقدامات درمانی و تربیتی علیه بیماران جنسی می‌باشد که نوشتار حاضر با توجه به معیارها و دلایل مختلف راهکار تربیتی و درمانی را برای این بیماران پیشنهاد می‌نماید. هرچند در مورد هرزه نگاران پدوفیل (سواستفاده-کنندگان از کودکان) اقدامات کیفری و مجازات پیشنهاد می‌گردد.

۵. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، یک تحقیق کیفی است و با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی معیارها و دلایل مبنایی هرزه نگاری رایانه-ای می‌پردازد. بدین صورت که بر مبنای تحلیل و توصیف نظرات با تاملی در اصول و معیارهای حقوق کیفری فناوری اطلاعات و ارتباطات صورت خواهد گرفت. توصیف مطالب از طریق تبادل نظرات و مذاقه در نظریه‌های موجود، بستر مباحث را تشکیل خواهد داد. هم‌چنین نگارش این نوشتار بدین صورت است که یک درک مشخص از «هرزه نگاری رایانه‌ای» به عنوان چارچوب اصلی در نظر گرفته خواهد شد. و بر این اساس عملکرد حقوق کیفری ایران در مورد هرزه نگاری رایانه‌ای با توجه به معیارها و دلایل فراحقوقی بررسی می‌شود. ساختار مقاله در دو بخش تنظیم شده است که در بخش نخست، هرزه نگاری رایانه‌ای در معنای انحراف و بیماری و معیارهای آن تحلیل می‌شود و در بخش دوم، دلایل جرم‌انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای بررسی می‌شود.

۶. معیارهای اثباتی و نفیی پیرافقوقی هرزه نگاری رایانه‌ای

۶-۱. تبیین مفهوم انحراف (کجروی و بیماری)

به طور کلی، فاصله‌گیری از رفتارها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، رفتارهایی هستند که به معنای فاصله گرفتن و جدا شدن از قاعده‌مندی و نقض قواعد و مقررات قانونی به کار گرفته می‌شود که از آن به عنوان «جرم» یاد می‌شود. دسته دوم، از اعمال و رفتارها که حکایت از فاصله‌گیری و دور شدن از هنجارمندی و ارزش‌های اجتماعی است، در قالب

و مخاطرات حریم خصوصی کاربران اجتناب‌ناپذیر باشد. نکته قابل تامل مقاله مذکور اهمیت پیشگیری می‌باشد که در صورتی پیشگیری موثر است که به فرد برچسب مجرمانه نخورده باشد و در نوشتار حاضر زمانی که هرزه نگاری رایانه‌ای یک نوع بیماری و انحراف محسوب می‌شود نقش نهادهای جامعه‌ی و روانشناسان، روانپزشکان و به طور کلی افراد و نهادهایی که با هدف اصلاح و درمان و نه مجازات می‌نگرند پررنگ می‌شود.

- حبیب‌زاده و رحمانیان (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «هرزه نگاری در حقوق کیفری ایران» بیان می‌دارند؛ مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه هرزه نگاری پروتکل اختیاری پیمان نامه حقوق کودک درباره خرید و فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان است که از تاریخ ژانویه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شده است. در بند ج ماده ۲ پروتکل، هرزه نگاری کودکان اینگونه تعریف شده است: «هرزه نگاری کودکان به معنی هرگونه نمایشی می‌باشد که در آن کودکان به صورت واقعی یا مجازی مشغول فعالیت بارز جنسی باشند و یا آلت تناسلی کودکان برای مقاصد جنسی به نمایش گذاشته شود». در مقاله مذکور، صرفاً هرزه نگاری در حقوق کیفری ایران که تاملی در اسناد بین‌المللی نیز داشته به تحلیل ارکان قانونی، مادی و معنوی پرداخته شد که در نوشتار حاضر با دیدگاه فراحقوقی و براساس مطالعات میان رشته‌ای حقوقی، روانشناسی، پزشکی موضوع در بوته سنجش قرار خواهد گرفت.

- قدسی و مجتهد سلیمانی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «جرایم رایانه‌ای علیه اخلاق و عفت در حریم خانواده به ویژه قوادی و هرزه نگاری» اشاره می‌نمایند؛ پیدایش فضای مجازی این‌گونه جرایم را از حالت سنتی خارج کرده و ابزار کارآمدی برای سواستفاده‌کنندگان جنسی شده است. این تکنولوژی مدرن ارتباطی، موجب شده حجم سواستفاده چند برابر شود و تعداد دریافت‌کنندگان تصاویر و حجم تصاویر به صورت غیرقابل تصویری افزایش یابد. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باعث رشد بیش از حد هرزه نگاری رایانه‌ای شده است. فلذا با توجه به ظهور و بروز شبکه‌های گسترده رایانه‌ای

«انحراف» تداعی می‌شود (۳) و سیاست جنایی آن را مقوله‌ای می‌داند که با فاصله گرفتن و عدم همنوایی با ارزش‌های اجتماعی که سرزنش اجتماعی را به همراه خواهد داشت، معرفی می‌گردند. بنابراین انحراف، آن رفتاری است که با دور شدن از باورها و اعتقادات جمعی انسان‌ها در یک جامعه، شکل می‌گیرد به نحوی که آن ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه در حدی باشند که حمایت و تضمین کیفری و جرم انگاری را به دنبال نداشته باشد. از این جهت، اگر آن هنجار و ارزش‌های مورد نقض در حدی باشند که جامعه از نظام حکومتی حمایت و تضمین کیفری آن را داشته باشد، دیگر مفهوم انحراف کارآیی خود را از دست داده و آن رفتار فاصله‌گیر تبدیل به رفتار نقض قاعده و دور شدن از قاعده‌مندی می‌گردد که تحت عنوان جرم می‌باشد نه انحراف. لذا انحراف در بستر جامعه و پیرامون هنجارها امکان ظهور، بروز و تبیین می‌آید (۴). هنجارها و ارزش‌ها در هر جامعه و هر گروهی نسبت به جوامع دیگر متفاوت است و آنچه در یک جامعه به عنوان هنجار مورد قبول معرفی شده است، ممکن است در جامعه‌ای دیگر محترم و شایسته احترام نباشد (۵). در هر جامعه‌ای با تکثیر و تنوع هنجارها مواجهه‌ایم که این تنوع و تکثیر هنجاری از هر جامعه نسبت به جامعه دیگر متفاوت و متغیر است. به طور مثال، در جامعه ایرانی پوشش ظاهری و حجاب یک ارزش و هنجار مورد قبول می‌باشد، در صورتیکه در جامعه فرانسوی این مورد هنجار و ارزش محسوب نمی‌شود. حتی در سطح جامعه محلی و مناطق مختلف یک کشور نیز شاهد تنوع هنجاری هستیم که به طور مثال، هنجار پوشش و حجاب ظاهری زنان در تهران متفاوت با شهرستان‌های کوچک است. فلذا انحراف را می‌توان یک مفهوم متغیر دانست که براساس زمان، مکان، شرایط و اوضاع احوال خاص و جوامع مختلف دارای کارکرد است.

حال در این میان رسالت و هدف حقوق کیفری، شناسایی ارزش و هنجارهای پراهمیت به عنوان قاعده و تضمین آنها در پرتو جرم انگاری‌های رفتارهای خلاف و معارض این هنجار و ارزش‌ها است. بنابراین فرایند تبدیل هنجار به قاعده حقوقی،

در چارچوب اصول و مبانی جرم انگاری، نوع پاسخ به این نقض قاعده را نیز مشخص می‌کند که متناسب‌ترین آنها، واکنش‌های کیفری در قالب «مجازات» است. دیگر هنجار و ارزش‌های اجتماعی که از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشند، هرگونه فاصله‌گیری و جداسدن و عدم رعایت آنها، افراد انسانی را با برچسب‌زنی منحرف روبرو خواهد ساخت نه مجرم و جامعه در قالب یک حرکت اجتماعی خودجوش به نام سرزنش اجتماعی، به مبارزه و مقابله با این رفتارها برخاست و به درستی می‌توان گفت این عرصه فاقد ضمانت اجرای کیفری است (۶). فلذا آنچه که به‌عنوان انحراف در راستای ناهمگونی و عدم همنوایی یا هنجارهای اجتماعی تعریف می‌شود، پاسخ‌های اجتماعی (جامعوی) را در پی خواهد داشت نه دولتی و اگر در راستای مقابله با انحراف اجتماعی که صرفاً در فضای هنجارمندی و نه قاعده‌مندی رخ می‌دهند، پاسخ متناسبی داده شود، توازن و تعادل سیاست جنایی در راستای حرکت در مسیر اصلی و بنیادین خود، به هم می‌خورد و در عرصه سیاست جنایی به مداخله حداکثری در رفتارهای اجتماعی و کنترل حاشیه امن و فضای شخصی و خصوصی افراد متهم خواهد شد (۷). به پیروی و تبعیت از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، استفاده از اصل حداقلی بودن حقوق کیفری (۸) یا اصل کاربرد کمینه در حقوق کیفری (۹) و لزوم به کارگیری استراتژی عقب‌نشینی و تحدید مداخله حقوق کیفری در عرصه اجتماعی و رفتار فاصله‌گیر از هنجارها (۱۰)، و نیز دخالت دادن جامعه و مشارکت آن در امر کنترل انحراف و تشکیل یک شبکه اجتماعی کنترل، لازم است که در کنترل انحرافات اجتماعی، مداخله حقوق کیفری و انتخاب واکنش‌های دولتی به شدت کاهش یابد و مداخله در این عرصه به صورت حداکثری در اختیار گروه‌های اجتماعی متناسب با این موضوع از قبیل؛ سندیدکاها، کمپین‌ها، نهادهای مردمی و گروه‌های خاص مرتبط قرار گیرد، چرا که پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی، از یک طرف موجب الصاق برچسب افراطی‌گری در جرم انگاری و دخالت در عرصه‌های خصوصی خواهد شد و از طرف دیگر با نقض اصول کلی و مورد حمایت

نظام حقوق بشری، مشارکت اجتماع در کنترل انحرافات به حداقل کاهش خواهد یافت. علاوه بر این موارد مذکور، پاسخ دولتی به انحراف، سیاست جنایی را به سمت «اقتدارگرایی» سوق می‌دهد و نظام عدالت کیفری را «امنیتی» می‌کند که باعث «تورم کیفری» نیز خواهد شد.

۲-۶. هرزه نگاری براساس معیارهای سیاسی

یکی از معیار تشخیص رفتارهای منحرفانه در جوامع انسانی براساس پیش‌فرض‌های سیاسی است. دانش سیاسی به یک سری طرز تفکر خاص و اعتقاد به اصول و روش‌های مختلف به کارگیری نظریات و تئوری‌ها گفته می‌شود که حکمرانی مطلوب و توجه به جایگاه و اهداف بین‌المللی یک کشور و حفظ منافع ملی و داخلی، از آثار آن است. اندیشه‌های سیاسی نوعی چیدمان و کنار هم قراردادن مفاهیم و اصول اساسی حکومت‌داری است که به مثابه یک پازل منظم، تشکیل و تعریف می‌گردد (۱۱). این چارچوبه مشخص و ابعاد منظم که تحت عنوان عرف سیاسی معرفی می‌گردد، نوعی وابستگی به آن اندیشه‌های سیاسی به عنوان هنجار سیاسی را به میان آورده و افراد و اعضای خود را ملزم به پیروی و تبعیت از آن می‌نماید. هرگونه کناره‌گیری و عدم توجه به این هنجارهای سیاسی که اصول مشترک و راهبرد اصلی جریان یک حزب سیاسی را تشکیل می‌دهد به معنای انحراف سیاسی و دور شدن از مبانی جمعی مشترک اعضای آن گروه است که از جانب سایر اعضا قابل تحمل نخواهد بود (۱۲).

حال سوال اساسی این می‌باشد که آیا هرزه نگاری رایانه‌ای و سیاست‌گذاری در مورد آن وارد فرهنگ و دانش سیاسی شده است؟ به عبارت دیگر، هرزه نگاری به عنوان یک مقوله حقوقی، در عرف سیاسی قرار گرفته و جرم انگاری آن از این طریق بوده است؟ رفتارهای فاصله‌گیر از هنجارها، از دیدگاه جامعه سیاسی و یا جامعه مدنی ممکن است قابل اغماض بوده و شایسته پاسخ‌های متناسب با آن، از نوع کنترل اجتماعی غیررسمی باشد یا ممکن است با پاسخ‌های دولتی از سوی نهادهای رسمی (قوه قضاییه) مواجهه گردد و منحرفین در

لباس مجرمین، بسته به نوع آن مدل قانون‌گذاری، نسبت به عملکرد منحرفانه وی که از این بعد مجرمانه می‌باشد، مجرم (بزهکار) لقب گیرد و با سرکوب و تحمیل مجازات روبرو شود. معیارهای سیاسی برای شناسایی انحراف، در هر جامعه سیاسی نسبت به کشور دیگر متفاوت است و دیدگاه‌های سیاسی تشکیل‌دهنده هر حکومت، معیار و بستری برای تعیین ارزش‌ها و پس از آن هنجارهای شکل گرفته بر مبنای آن ارزش است. از همین جهت است که هرزه نگاری رایانه‌ای و دیگر اعمال و رفتارهای انحرافی در ادوار مختلف تاریخی براساس معیار سیاسی دارای تفاوت‌های حقوقی نیز هستند. این معیار می‌تواند یکی از راه‌های سنجش میزان آستانه نظام قانون‌گذاری نسبت به انحرافات باشد که با معیار سیاسی شناسایی می‌گردند. اگر جامعه سیاسی در مقابل تمامی انحراف‌ها از قبیل؛ هرزه نگاری (۱۳)، بدحجابی و بی‌حجابی و ارتکاب فعل در ملاء عام (۷) اعتیاد به مصرف مواد مخدر (۱۴)، الکسسیم (۱۵)، قماربازی (۱۶)، ولگردی و تکدی‌گری عکس‌العمل کیفری تحت جرم انگاری و کیفرگذاری از خودش نشان دهد، نشانه اقتدارگرایی سیاست جنایی است.

۳-۶. هرزه نگاری براساس معیارهای اجتماعی

یکی از معیارهای شناسایی انحراف از قبیل؛ هرزه نگاری، چندهمسری، خودکشی، اعتیاد به مصرف مواد مخدر، بدحجابی و بی‌حجابی، اعتیاد به مشروبات الکلی، قماربازی، تکدی‌گری، ولگردی، ریختن آب دهان در اماکن عمومی، فرار از خانه و خشونت علیه کودکان یا زنان معیارهای اجتماعی است. طرز تلقی یک جامعه و نحوه عملکرد آن در تقابل و وابستگی آن با یکدیگر در امر حیات و استمرار بقای زندگی جمعی، مهم‌ترین معیاری است که در سطح جامعه منجر به شناسایی انحراف خواهد شد. ساختار و تشکیلات جامعه به جهت گستردگی و وسعت ابعاد آن و نیز تفاوت و تعارض در تفکرات، روند متفاوتی را از شناسایی ارزش‌ها و شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی به دست خواهد داد (۱۷). به طور مثال، در یک جامعه همانند ایران تنوع قومیتی و فرهنگی متفاوتی

حاکم است که از یک نقطه به نقطه دیگر، تفاوت آن به صورت آشکار و صریح برهمگان مشخص می‌گردد. بنابراین آنچه در استان‌های غربی به عنوان ارزش شناسایی و احترام به آن را به عنوان یک هنجار در سطح جامعه محلی می‌پذیرند و ناقضین آنرا منحرف می‌نامند، به طور قطع قابل قیاس با هنجارهای مورد احترام در استان‌های شرقی، جنوبی یا تهران نیست، چرا که تنوع فرهنگی و آداب و رسوم قبیله‌ای در این جوامع محلی به مثابه یک گروه کوچک در دایره گسترده جامعه، موجب تشکیل هنجارهای متفاوت خواهد بود. اما نکته قابل توجه این می‌باشد که با ظهور، بروز و گسترش فضای مجازی بسیاری از هنجارهایی که در گذشته در جوامع محلی کوچک جزء ارزش و هنجارهای اساسی محسوب می‌شوند، به فراموشی سپرده شد و امروز «فضای مجازی» هنجارهای اساسی را دچار تحول کرد. به طور مثال، تا قبل از ورود گسترده شبکه‌های اجتماعی از قبیل؛ فیس بوک، تلگرام، وایبر، واتساپ، وی چت، تانگو، لاین، ایمو و اینستاگرام در جوامع سنتی حجاب جزء ارزش‌های اساسی جامعه ایرانی محسوب می‌شد، ولیکن بعد از گسترش شبکه‌های اجتماعی مذکور، عکس‌برداری و فیلم‌برداری بدون حجاب آن ارزش گذشته را نداشته است و حتی می‌توان گفت دیگر جزء انحراف هم محسوب نمی‌گردد. حال سوال اساسی این می‌باشد که یکی از معیارهای اصلی انحراف خاصه هرزه نگاری، معیار اجتماعی است و اکنون با توجه به زدوده شدن قبح اجتماعی رفتارهای هرزه نگارانه جرم انگاری این مقوله دارای پشتوانه اجتماعی است؟ به عبارت دیگر، آیا مردم خودشان تصاویر و فیلم‌های مبتذل و مستهجن را سرزنش می‌کنند؟ آیا با نزدیک‌تر شدن جوامع مختلف ایران با وجود شبکه‌های رایانه‌ای و شکست فاصله قیومتی، طبقاتی و فرهنگی، این چنین انحراف‌هایی قابل تحمل نیست؟ به نظر می‌رسد، پشتوانه اجتماعی جرم انگاری هرزه نگاری از دست رفته است، زیرا در فضای مجازی مشاهده می‌شود خانواده‌ها عکس و فیلم‌هایی که از منظر قانون مجازات جرم است را انتشار و توزیع می‌کنند و قبح اجتماعی آن شکسته شده است. به طور مثال، اگر در سال ۱۳۷۸ دختری عکس یا فیلم بی-

حجابی‌اش در محیط پخش می‌شد، دارای برخوردهای شدید رسمی و غیررسمی از نهادهای دولتی و جامعه می‌بودیم، ولیکن در سال ۱۳۹۷ بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی تصاویر و فیلم‌های مبتذل و مستهجن خود را ارائه می‌کنند و نه می‌توان توسط نهادهای دولتی و رسمی بخاطر شرایط خاص این کاربران (ازدیاد چنین افرادی و برون مرزی بودن بسیاری از آنها) آنها را مجازات کرد تا قانون‌گذار به هدفش نائل آید، و نه می‌توان توسط جامعه مدنی کنترل شود، زیرا اولاً، بسیاری از کاربران با این موضوع مخالفتی ندارند و ثانیاً، با وجود نهادهای رسمی و متعاقب آن پاسخ‌های دولتی، جامعه مدنی اهمیتش کم رنگ می‌شود. به نظر می‌رسد، مردم جامعه ایران با تصاویر و فیلم‌هایی که از نگاه سیاسی و مذهبی ممنوع است، کنار آمده و قبح آن نیز شکسته شده است که مثال آن پخش فیلم بازیگر زن معروف در سال ۱۳۸۵ می‌باشد که هم نهادهای رسمی مثل پلیس، قوه قضاییه و هم نهادهای اجتماعی عکس‌العمل‌های شدیدی را نشان دادند که در سال ۱۳۹۷ روزانه بیش از هزار فیلم همانند فیلم سال ۱۳۸۵ پخش می‌شود ولی نه دخالت، حساسیت و ورود نهادهای دولتی را به همراه دارد و نه حساسیت جامعه مدنی. فلذا به نظر می‌رسد مهم‌ترین معیار هرزه نگاری که معیار اجتماعی است، از دهه ۹۰ ه.ش به این سو حمایت خود را از دست داده است.

۴-۶. هرزه نگاری براساس معیارهای شرعی

هرزه نگاری رایانه‌ای براساس این دیدگاه، گناه و عملی حرام است و از استدلال‌های طرفداران آن اعانه بر اثم، آیات و روایات، ایذاء دیگران می‌باشد (۱۸-۲۱). همچنین از دیگر استدلال‌های آنان افشای سر و مقدمه‌ی ارتکاب دیگر محرمات است. کارکرد آن در حوزه قانون‌گذاری نهادهایی هم‌چون شورای نگهبان است که قوانین موضوعه باید براساس قواعد شرعی باشد و همچنین مبانی شرعی به عنوان یکی از دلایل جرم انگاری رفتارهای منحرفانه است. در کنار التزام افراد به زندگی جمعی و بشری و رعایت هنجارهای گروهی که ناشی از برخورد افراد با یکدیگر و توجه به نیازها و

رفع آن‌ها و نیز حقوق و تکالیف متقابل برای یک زندگی جمعی می‌باشد، نوع تفکر متافیزیکالیستی و اعتقاد به مذهب و رویکرد دینی، در کنار تشکیل هنجارهای اجتماعی، موضوع تشکیل یک سری هنجارهای مذهبی- اعتقادی نیز می‌گردد که افراد تشکیل‌دهنده جامعه را ملزم به رعایت آن هنجارهای مذهبی و اعتقادی می‌گرداند. هنجارهای شرعی، پیرو اعتقاد به یکی از ادیان با یک اعتقاد مذهبی شکل خواهد گرفت و در محدوده و چارچوبه مشخصی برای افراد درونی خواهد شد، به نحوی که افراد تشکیل‌دهنده جامعه خود را مکلف به تبعیت از آن می‌دانند و با ناقضین آنها به عنوان منحرف برخورد جدی می‌کنند. به موازات کم‌رنگ شدن هنجارهای مذهبی در یک جامعه، شدت و سرسختی نظام اجتماعی برای پاسخ‌دهی به نقض هنجارهای دینی کم‌رنگ‌تر می‌شود یا حتی در برخی از زمان‌ها به دست فراموشی سپرده می‌شود. از این جهت، می‌توان گفت باور و اعتقاد خاص به یک مساله و موضوع اعتقادی در قالب یک دین تشکیل ارزش‌های دینی و متعاقب آن هنجارهای مذهبی را به دنبال خواهد داشت و در کنار تشکیل هنجارهای اجتماعی، شاهد هنجار مذهبی و دینی نیز خواهیم بود که هر دو آنها با داشتن محدوده خاص، زمینه التزام افراد به آن هنجارها را ایجاد می‌کند. هنجارهای مذهبی نسبت به هنجارهای اجتماعی امکان رعایت شدن و احترام بیشتری را از جانب افراد تشکیل‌دهنده جامعه به دست می‌آورند و از این حیث، بسیاری از آنها در طول زمان‌های مختلف پابرجا می‌ماند. مبانی اعتقادی و باورهای شرعی، از فرهنگ و آداب و رسوم منطقه‌ای و اندیشه‌ها و طرز تفکر اجتماعی حاکم بر جوامع محلی پیروی نمی‌کند و از آنجا که کلیت جامعه و تمامی افراد تشکیل‌دهنده آن در معنای کل واحد، ملزم به هنجارهای شرعی هستند می‌توان گفت یک ارتباط و انسجام دقیق و کامل میان تشکیل هنجارهای مذهبی و رعایت التزام به آنها از جانب افراد جوامع محلی به یک جوامع وسیع و یکدست سرایت خواهد کرد.

حال سوال اساسی این می‌باشد هرزه نگاری رایانه‌ای به چه میزان به عنوان یک معیار شرعی در جرم انگاری این پدیده

نقش داشته است؟ تاثیر معیار مذهبی بر عملکرد پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ی نسبت به هرزه نگاری رایانه‌ای چگونه است و آثار آن به چه صورت است؟ در ابتدای این امر ذکر این نکته ضروری است که در تدوین قوانین مرتبط با هرزه نگاری، معیار شرعی در اولویت قانون‌گذار قرار داشته و از ملاک‌های اصلی است (۲۲). ارزش‌های مذهبی و شرعی و تشکیل چنین هنجارهایی، به صورت یکپارچه تمام ساختار حاکمیتی و جامعه مدنی را تحت‌الشعاع و تأثیر خود قرار می‌دهد و به عنوان یک هنجار برتر و اساسی، در راستای احترام و رعایت ارزش‌ها، با موفقیت بیشتری همراه است. در نظام‌های اسلامی در کنار جامعه مدنی، دولت و هیات حاکمه نیز مقید و ملزم به رعایت هنجارهای مذهبی است و استفاده از ابزارهای اجتماعی غیررسمی که از ناحیه جامعه مدنی برای پاسخ‌دهی به انحراف به کار برده می‌شود، در سایه ابزار و اهرم‌های دولتی از نوع مجازات که از ناحیه دولت برای پاسخ‌دهی به جرایم به کار گرفته می‌شوند، قرار می‌گیرند و در یکدیگر به‌طور گسترده‌ای ادغام می‌گردند. بنابراین در این رابطه دو سویه میان جامعه مدنی و دولت نسبت به پاسخ‌دهی به انحراف مذهبی و اعتقادی از یک طرف، و التزام افراد انسانی تشکیل‌دهنده جامعه مدنی و خود هیات حاکمه به رعایت و احترام ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی و دینی از طرف دیگر، مفهوم جرم و انحراف، در روابط و مناسبات اجتماعی متجلی و ظاهر می‌گردد. بنابراین منحرفین مذهبی، تبدیل به مجرم شده و از این حیث لزومی برای به کارگیری ابزارها و استفاده از اهرم‌های اجتماعی به عنوان کنترل غیررسمی جامعه مدنی احساس نخواهد شد و همه وظایف پاسخ‌دهی به انحراف مذهبی از آن جهت که خود هیات حاکمه ملتزم به رعایت هنجارهای مذهبی است به دولت منتقل می‌گردد. متعاقب چنین وضعیتی، جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای در راستای حمایت و حفاظت از ارزش‌های مذهبی توجیه‌پذیر می‌گردد و مداخله در این امر از قبل پیشروی سیاست جنایی امکان‌پذیر است. در این وضعیت نظام عدالت کیفری بسته عمل خواهد نمود و به نظر می‌رسد مطلقاً انحرافی متصور نگردد، چراکه هرگونه عدم

همنوابی و فاصله گرفتن از ارزش و هنجارهای مذهبی تشکیل یک جرم کیفری را داده و متعاقب آن پاسخ‌های دولتی را به دنبال دارد. ولیکن در وضعیتی که صرفاً جامعه مدنی از هنجارهای مذهبی تبعیت کرده و ملزم به رعایت آنها هستند و نهادهای رسمی و دولتی مقید و ملزم به چنین تکالیفی نیست، انحراف مذهبی تشکیل می‌گردد و معیارهای مذهبی، بستری برای شناسایی انحراف از هنجارها خواهد بود. در این شرایط ابزار و اهرم‌های کنترل اجتماعی غیررسمی، بدون ادغام آنها در ابزار و اهرم‌های کنترل رسمی و دولتی، در امر پاسخ‌دهی به پدیده انحراف مذهبی، امکان به کارگیری پیدا کرده و با اعمال آنها به منحرفین پاسخ داده می‌شود. در نهایت قانون-گذار براساس معیارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی به جرم انگاری پدیده انحرافات هرزه نگاری پرداخته که معیارهای سیاسی و اجتماعی در سطور قبلی با چالش مواجهه شدند و در مورد معیار مذهبی نیز می‌توان گفت با توجه به کارکردهای مثبت و مطلوب جامعه مدنی و تالی فاسد جرم انگاری و کیفرگذاری، شایسته است هرزه نگاری رایانه‌ای را به جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی واگذار کرد تا جوامع مدنی براساس ابزار و اهرم‌های خودش از قبیل؛ سرزنش اجتماعی، امر به معروف، نهی از منکر، پاسخ‌های ارشادی، درمانگری‌های جنسی و راه‌های غیرکیفری تدابیر اجتماعی را در نظر بگیرند تا پیشگیری به عمل آید.

۵-۶. هرزه نگاری براساس معیارهای پزشکی

در جرم‌شناسی بالینی یا درمانگاهی، افراد از نقطه نظر پزشکی و روانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند و مطالعات این رشته از جرم‌شناسی بالینی مبتنی بر یافته‌های پزشکی است. از دیدگاه جرم‌شناسان بالینی، روان‌پزشکان و پزشکان بسیاری از فعالان، تولید و توزیع کنندگان و افراد حاضر در آثار هرزه نگارانه دارای اختلال شخصیت روانی و بیماری‌های جنسی‌اند که ریشه برخی از این اختلالات به عواملی همچون وراثت، اختلالات کروموزوم، نارسایی‌های فیزیولوژیک و بیماری‌های روانی مرتبط است (۲۳). پیرامون تأثیر عوامل ارثی در مورد گرایش

افراد به تولید و یا آثار هرزه نگارانه به طور قطع نمی‌توان نظر داد، اما اختلالات ژنتیکی می‌تواند مشکلات رفتاری ایجاد کند. از آنجا که بسیاری از هرزه نگاران رایانه‌ای و افراد معتاد به محصولات هرزه نگارانه، کم و بیش به انحرافات جنسی گوناگون دچارند می‌توان عوامل ارثی موثر در منحرف شدن آنها را به هرزه نگاران و کسانی که به هرزه نگاری رایانه‌ای گرایش دارند تسری داد. مقر و مرکز اجزا و عوامل وراثت در کروموزوم‌هاست و تعداد کروموزوم‌ها همواره زوج بوده و برای یک موجود زنده نیز ثابت است. هر یک از سلول‌های بدن دارای ۲۳ جفت کروموزوم است که اختلال و نقص در آنها باعث تشکیل شخصیت مجرمانه افراد می‌شود و از این جهت بسیاری از زیست‌شناسان در مورد ابتلای افراد به انحراف جنسی از جمله هرزه نگاری، اختلال در جفت ۲۳ کروموزوم و عدم توازن ترشحات غدد و مخصوصاً هورمون‌ها را موثر می‌دانند (۲۴).

نارسایی‌های فیزیولوژیک عبارت است از اختلال در عملکرد ارگانیسم زنده یا سلول که به دو دسته نارسایی‌های عملکرد ارگان‌ها و نارسایی انتقال فیزیولوژیک کودک در آستانه بلوغ تقسیم می‌شود (۲۵). نارسایی‌های عملکرد ارگان‌ها را می‌توان در دالتونیسیم، چپ دستی، آمبی دکستری و موارد دیگر مشاهده کرد. اما آنچه برای نوشتار حاضر مفید است، نارسایی‌های خاص و در ارتباط با بلوغ افراد است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، زیرا بلوغ تنها دوره موثر فیزیولوژیک بشری که اغتشاشاتی را ایجاد می‌کند نیست (۹). بلکه براساس نظر دکتر دوبلینو مطالعه تحول فرد، وجود لحظاتی بحرانی را که در جریان آن احتمال بزهکاری افزایش پیدا کند، روشن می‌سازد. در واقع دوران بلوغ از نظر زیست‌شناسی آشکارترین و رساترین تکامل انسان صورت می‌گیرد و حال تصور کنیم که در این مرحله حیاتی افزون بر نارسایی فیزیولوژیک، کودک در معرض آثار هرزه نگارانه نیز قرار بگیرد. بدیهی است که تحریک و برانگیختگی میل جنسی کودک زمان بلوغ او را تسریع و سبب اختلالات روانی و جسمی گوناگون در وی می‌

شود که نتیجه آن رشد پیش‌زمینه‌های بزهکاری و انحراف در وی است.

بیشتر هرزه نگاران و مخاطبان هرزه نگاری دارای اختلالات روانی، انحراف و بیماری‌های جنسی‌اند، به صورتی که در بیشتر موارد با هرزه نگارانی روبرو هستیم که از لحاظ شخصیتی «منحرف جنسی» به شمار می‌روند نه «مجرم جنسی». در ادامه به برخی از انواع و اقسام هرزه نگارانی که بیمار و منحرف جنسی هستند پرداخته می‌شود که بررسی این گونه از هرزه نگاران مبین این مطلب است که هرزه نگاران رایانه‌ای اساساً بیمار و منحرف می‌باشند نه مجرم. هرزه نگاران بچه باز (پدوفیل) هرزه نگارانی‌اند که از لخت و تماشای کودکان برهنه، استمناء در حضور کودک و دست مالیدن به کودک یا اعمال جنسی با او لذت می‌برند. بیشتر منحرفان بچه‌باز به اختلال عصبی دچار بوده و از نظر عاطفی ثبات ندارند (۱۵). یکی دیگر از اختلالات شخصیتی و روانی هرزه نگاران سادیسم جنسی است. سادیسم عبارت است از؛ وارد کردن رنج و آزار جنسی یا روانی بر شخص دیگر به منظور حصول تحریک جنسی. بسیاری از هرزه نگاران براساس رفتارهای سادیستی با تولید و به نمایش در آوردن آثار هرزه نگارانه سعی می‌کنند تا انگیزه‌ها و شور جنسی افراد را تحریک کنند و از این طریق سبب آزار جنسی آنان شوند. این گونه از بیماران جنسی با توصیف و ترسیم صحنه‌های مبتذل و مستهجن با تحقیر و آزار آنها ارضا جنسی می‌شوند که این حالات بیانگر اختلالات شخصیتی و بیماری است. جدای از دیگر آزاری، بسیاری از هرزه نگاران به خودآزاری یا در اصطلاح مازوشیسم مبتلا هستند. به بیان دیگر، این دسته از هرزه نگاران با به نمایش گذاشتن تصاویر برهنه خود و یا نمایش دادن آلت تناسلی خود به دیگران به نوعی از تحقیر و بی‌ابرو شدن خود لذت می‌برند. یکی دیگر از مشکلات شخصیتی و روانی هرزه نگاران جنون مقاربت یا جنون نزدیکی و یا ارضاناپذیری جنسی است که بروز آن در زن و مرد باعث مرضی تحت عنوان هاپیر سکسوالیتی می‌نامند. اما جنون مراقبت در مردان ساتیریازیس و در زنان نمفومانمی نامیده می‌-

شود. هرزه نگاران مبتلا به این بیماری روانی، دارای رفتارهای جنسی افراط گرایانه هستند، به نحوی که تمامی امور زندگی خود را در اطراف فعالیت جنسی متمرکز می‌نمایند.

بسیاری از هرزه نگاران به‌ویژه هرزه نگارانی که برای تحریک جنسی دیگران تصاویر و صحنه‌های جنسی را به نمایش می‌گذارند، دچار انحراف و اختلال روانی خودنمایی یا عورت‌نمایی، بدن‌نمایی و به عبارت دیگر نمایش‌گری جنسی‌اند (۲۵). انحراف خودنمایی حالتی است که مبتلایان به آن با نمایاندن قسمتی از بدن خود به سایر افراد، ترضیه امیال جنسی خود را فراهم می‌کنند. مطالب فوق موید آن است که هرزه نگاران و مخاطبان هرزه نگاری دارای اختلالات روانی، انحراف و بیماری‌های جنسی‌اند که بایستی با نگاه جرم‌شناسی بالینی و درمانگری به آنها نگریست. با این دیدگاه هرزه نگاران به جای مجازات، اصلاح و تربیت و درمان می‌شوند که به نظر می‌رسد قانون‌گذار بایستی از نگاه کیفری و سزادهی خود عدول کرده و با سپردن هرزه نگاران به دست نهادهای اصلاحی و درمانی هدف مطلوب که همانا پیشگیری از این جرایم است نائل شود.

۷. دلایل جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای در سیاست جنایی ایران

۷-۱. حمایت از ارزش‌های سیاسی

هر نظام سیاسی بر مبنای یک سری اصول مشخص سیاسی با عنوان خطوط اساسی که برای خود تعریف کرده است، ارزش‌های سیاسی مختلفی را شناسایی می‌کند که با توجه به اهدافی که از سیاست‌گذاری و طرح‌ریزی‌های سیاسی خود دارد می‌تواند متفاوت از دیگر نظام‌های سیاسی باشد (۲۶). ممکن است در تعیین و تشخیص این ارزش‌ها جامعه مدنی هیچ دخالتی نداشته باشد و یا اصلاً آن‌ها را شایسته حمایت کیفری تلقی نکند. در ادامه بحث نمونه‌ای از جرم انگاری بر مبنای حمایت از ارزش‌های سیاسی اشاره می‌گردد که عدم توجه کافی به کار کارشناسانه و رویکرد حقوقی-جرم‌شناختی باعث چالش‌های متعدد شده است. تحولات ارتباطات در فضای مجازی و نیز گسترش وسایل ارتباط جمعی و افزایش شبکه

های ماهواره‌ای در یک سطح گسترده، روابط سیاسی کشورها را نیز تحت تاثیر قرار داده است و استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای می‌تواند نقش فعالی در این حوزه بر عهده داشته باشد (۲۷). فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی سیاسی که در سال‌های بعد از جنگ به طور خاص از سال‌های ۱۳۷۰ ه.ش به بعد، علیه نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، دستگاه تقنینی را بر آن داشت تا برای مقابله با این موضوع و جلوگیری از انحرافات ذهنی افراد جامعه، اقدام به ممنوعیت به کارگیری و استفاده از ماهواره نماید. بنابراین در سال ۱۳۷۳ قانونی با عنوان «ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره» در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. در آن زمان تصویب این قانون بر مبنای حفظ نظام حکومتی از آسیب‌های جدی فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی بود که صرفاً با تشخیص نوع خاص از ارزش، به عنوان ارزش سیاسی، استفاده از این وسیله جرم اعلام شد. پس از مدتی و در سال‌های اخیر، با توجه به استفاده علمی، پژوهشی و اجتماعی ماهواره، جنبه سیاسی آن به فراموشی سپرده شد و جامعه به آن سمت هدایت شد که بدون توجه به آن ارزش مورد حمایت کیفری که از ناحیه نظام حکومتی مورد شناسایی قرار گرفت، استفاده ماهواره همچنان که برخی از ضررها هم برای آن تعریف می‌شود (۲۸) نمی‌تواند از جهت پر کردن مفید اوقات فراغت آنچنان هم بی‌فایده باشد (۲۹). فلذا در سال‌های اخیر استفاده از ماهواره در میان جامعه مدنی رواج گسترده یافته است و بدون توجه به وجود ممنوعیت قانونی از به کارگیری آن، استفاده دیگر از ماهواره در ابعاد دیگر مورد نظر قرار گرفته است. همانطور که ملاحظه شد دلیل اصلی تصویب قانون مذکور حمایت از ارزش‌های سیاسی بوده است و نظام جمهوری اسلامی و سیاست‌گذاران جنایی کماکان با اصرار بر آن ارزش سیاسی مورد نظر خود و لزوم حمایت کیفری از آن، به این انحراف پاسخ دولتی می‌دهند، هرچند که اجرای کامل این پاسخ، تنها محدود به طرح‌های مقطعی و زمانی فعالیت‌های پلیسی شده که به صورت پاره وقت اجرا می‌گردند. در حال حاضر که معیارها عوض شده به نظر می‌رسد در میان

افکار عمومی جامعه استفاده از ماهواره قبح خود را از دست داده و علاوه بر اینکه جرم انگاری و پاسخ دولتی به آن غیرقابل توجیه است، استفاده از ماهواره ممکن است از نگاه بخشی از جامعه مدنی، صرفاً انحراف تلقی شود و شایسته پاسخ جامعوی باشد. قانون‌گذاران در دهه ۷۰ و ۸۰ ه.ش با توجه به ارزش‌های سیاسی و حمایت از این ارزش و هنجارها قوانین متعددی از جمله؛ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات ماهواره، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحی ۱۳۸۶ و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ وضع کردند که باعث اقتدارگرایی نظام عدالت کیفری ایران، امنیت‌گرایی سیاست جنایی ایران، تورم کیفری و برچسب‌زنی به افراد منحرف شده است. همین موضوع در مورد هرزه نگاری رایانه‌ای جاری است که سیاست جنایی تقنینی ایران بر مبنای حمایت ارزش‌های سیاسی و نه توجه کافی به ارزش‌های حقوقی-اجتماعی به جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای پرداخته است. فلذا با توجه به مطالب مذکور و توسعه دانش پزشکی، روانشناسی و به طور کلی علوم رفتاری و همچنین استفاده از اهرم نهادهای جامعوی و غیررسمی به نظر می‌رسد خروج هرزه نگاری رایانه‌ای از نظام عدالت کیفری و واگذاری آن به پزشکان، روانشناسان و روان کاوان با رویکرد اصلاحی-درمانی جهت پیشگیری از این رفتارها مطلوب‌تر است.

۲-۷. حمایت از ارزش‌های مذهبی

ارزش‌های مذهبی یکی از پایه‌های اساسی تشکیل و شناسایی هنجارهای اجتماعی است که وضعیت خاص و منحصر به فردی را در راستای تمیز جامعه ایرانی از دیگر جوامع ایجاد کرده است، به طوری که می‌توان گفت در کنار ارزش‌های اجتماعی و سیاسی، ارزش‌های مذهبی نیز شناسایی و همواره آموزش داده می‌شوند (۳۰) و هنجارهای مشخص بر مبنای آن شکل می‌گیرند و دور شدن از این هنجارهای مذهبی یک انحراف محسوب می‌شود. از آن جهت که خود نظام حکومتی مقید به اجرای تمام امورات شرعی و رعایت تمامی قواعد و

مقررات آن است، خود مستقیماً وارد عمل شده و اکثر ارزش-های مذهبی را مورد شناسایی قرار داده و یکجانبه به پاسخ-دهی آنها اقدام کرده است. نمونه‌هایی از پاسخ‌دهی به انحرافات که در جهت حمایت از ارزش‌های مذهبی هستند، موید مطالب مذکور است. نمونه اول ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که با به کار بردن مفاهیم مبهم و تفسیرپذیر (۳۱) که هرکدام از آنها در قلمرو قیاس گسترش می‌یابند، هرگونه «تظاهر به عمل حرام» در علن، انظار و اماکن عمومی و معابر را جرم انگاری کرده و به فاعلیت آنها پاسخ دولتی در قالب حبس و شلاق اتخاذ کرده است. به نظر این مدل از جرم انگاری به جهت آنکه جرم از انحراف تفکیک نشده است، افراد در جامعه دچار سرگردانی رفتارهای درست یا غلط خود می‌شوند و دست قضاوت برای سلب آزادی‌های مدنی اشخاص با تفسیر این ماده و قیاس-پذیری آن مفتوح خواهد ماند که با کاربرد اصل کمینه بودن حقوق کیفری (۹) یا اصل حداقل حقوق کیفری (۸) در تضاد است. نمونه دیگر از پاسخ‌های دولتی به انحرافات مذهبی تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است که اقدام به جرم انگاری «بدحجابی و بی‌حجابی» (۷) در حقوق کیفری است. عبارات مبهم و تفسیربردار در این تبصره باعث شده علاوه بر بی‌حجابی و بدحجابی هم مشمول آن قرار گیرد و بانوانی که بخشی از قسمت‌های آنان پوشیده نیست نیز مشمول تبصره قرار می‌گیرند (۳۲). از دیدگاه افراد تشکیل-دهنده جامعه بدحجابی و بی‌حجابی یک انحراف اجتماعی است و افرادی که با این وضعیت در جامعه ظاهر می‌شوند، مستحق سرزنش اجتماعی می‌باشند. به نظر می‌رسد قانون‌گذار در رفتار بی‌حجابی و بدحجابی که اساس آن را حمایت از ارزش و هنجارهای مذهبی می‌باشد مرتکب افراط در جرم انگاری گردید، و شایسته بود مقابله با این پدیده را به جامعه مدنی، نهادهای تربیتی با رویکرد اصلاحی-درمانی واگذار می-کرد (۳۳) نه اینکه با پاسخ دادن دولتی به این موضوع، خود را در راستای مقابله با یک انحراف، وارد عمل شود و از این حیث به گسترش حقوق کیفری دامن زند و باعث دخالت حداکثری

حقوق کیفری، امنیتی شدن سیاست جنایی، جرم انگاری افراطی و تورم کیفری شود. نمونه دیگر از پاسخ‌های کیفری (دولتی یا رسمی) به انحرافات مذهبی، «هرزه نگاری رایانه‌ای» است که قانون‌گذار براساس این معیار به جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای پرداخته و برای آن مجازات در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد در عصر حاضر تولید، ارسال، نگهداری و ذخیره محتویات مبتذل و مستهجن یک امر اجتماعی و فرهنگی است و آداب و رسوم هر منطقه متفاوت با دیگر مناطق است که با ظهور و بروز فضای مجازی قبح اجتماعی عکس و فیلم‌های مبتذل و مستهجن شکسته شده است و اگر جامعه مدنی احساس کند که وضع گونه خاصی از هرزه نگاری انحراف و دور شدن از هنجارهایی است که در آن جامعه تعریف شده‌اند، خود می‌تواند ابتکار عمل را به دست گرفته و از طریق ابزارهای کنترل غیررسمی اجتماعی به این وضعیت پاسخ دهد. از این جهت، شایسته بود قانون‌گذار در جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای مداخله‌ای حداقلی داشته و از اهرم‌های حقوق کیفری کمتر استفاده نماید.

۷-۳. حمایت از آرامش شهروندان

داشتن تکالیف در یک جامعه در راستای زیست متقابل انسانی، حقوقی را متجلی خواهد ساخت که صرفاً از راه رعایت تکالیف تضمین می‌گردد و لازم است تمام افراد جامعه از آن مطلع باشند (۳۴) که پایه مشارکت در امور اجتماعی را تشکیل می‌دهد (۳۵). بنابراین حقوق و تکالیف افراد انسانی در یک جامعه در کنار هم تعریف می‌شوند و یک رابطه تنگاتنگ و متقابل در بین آنها احساس می‌شود که با یک فرآیند دو سویه از جهت رعایت تکالیف از یک طرف و تضمین حقوق از طرف دیگر همراه است. مصلحت‌گرایی و حمایت از آرامش شهروندان بدان موضوع اشاره خواهد داشت که برخی از رفتارها ممکن است از دیدگاه برخی از افراد به عنوان رفتارهای فاصله‌گیر از هنجارهای اجتماعی و دور شدن از یک باور جمعی که ناشی از حمایت و تضمین ابعاد یک ارزش اجتماعی است، انحراف تلقی شده و به موجب این رفتارهای غیراجتماعی (کجروی) آرامش

روانی آنها خدشه‌دار شده و نظم عمومی مستقر در آن جامعه از این طریق برهم ریزد. هرچند که این رفتارها ممکن است از نظر برخی دیگر از افراد، تعرض به ارزش‌های اساسی جامعه از این طریق برهم ریزد. هرچند که این رفتارها ممکن است از نظر برخی دیگر از افراد، تعرض به ارزش‌های اساسی جامعه تلقی شود و نه در مفهوم انحراف، بلکه در مفهوم جرم قرار بگیرد. از این جهت یکی از دلایل جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای از دیدگاه سیاست‌گذاران جنایی حمایت از آسایش و آرامش شهروندان است تا در فضای حقیقی زیست سالم و پاکی را داشته باشند.

حال سوال اساسی این می‌باشد آیا جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای مصلحت‌گرایانه و در جهت حمایت و حفاظت از آرامش و آسایش شهروندان است؟ امنیت روحی و روانی شهروندان و آرامش و آسایش آنها در یک جامعه‌ای که مملو از هنجارهای اجتماعی است، نقش اساسی و اولیه را در به کارگیری تدابیر مصلحت‌گرایانه ایفا خواهد کرد. بنابراین یک سیاست‌گذاری پویا و کارآمد همواره به دنبال آن خواهد بود تا در ابتدا به شناسایی هنجارهایی که رعایت یا عدم رعایت آن بازتاب مثبت یا منفی گسترده‌ای را در سطوح جامعه خواهند داشت، بپردازد و اگر عدم رعایت این هنجارها از جانب بخش خاصی از جامعه محلی یا حتی در سطح عام آن، منجر به از هم پاشیدگی نظم عمومی در نتیجه هنجارشکنی و رفتار منحرفانه گردد، با به کارگیری تدابیری ویژه و استفاده از ظرفیت‌های مشخص و مختلف، سیاست‌گذاری جنایی با جرم انگاری آن رفتار مشخص که قبلاً انحراف نامیده می‌شد، از وقوع نتایج زیان‌بار آن جلوگیری نماید. با این اوصاف شاید در سال‌های قبل از گسترش فضای مجازی، هرزه نگاری و جرم انگاری آن بنابر مصلحت در جهت حفظ ارزش و حمایت از آسایش و آرامش شهروندان ضروری به نظر می‌رسید، ولیکن در حال حاضر و با ظهور و بروز فضای مجازی که شرایط خاصی را ایجاد کرده است مصلحت‌گرایی به‌گونه‌ای دیگر شده است. به نظر می‌رسد، برعکس گذشته که اگر هرزه نگاری جرم انگاری نمی‌شد آرامش شهروندان به مخاطره انداخته می‌شد.

در حال حاضر جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای مصلحت‌اندیشانه نمی‌باشد و برخلاف آزادی و آسایش و زندگی خصوصی شهروندان است. البته ذکر این نکته ضروری است که در کلیه نوشتار حاضر، «هرزه نگاری کودکان» از قاعده کلی استثناءند و اتفاقاً هرزه نگاری کودکان بنابر همین دلیل حمایت از آرامش و آسایش شهروندان و همچنین براساس آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی که اطفال همیشه جزء آن دسته از افرادی‌اند که نیازمند حمایت و حفاظت‌اند، باید جرم انگاری شود. بنابراین این قاعده کلی که هرزه نگاری در مفهوم انحراف مدنظر است کلیه اشکال و صور هرزه نگاری به جزء هرزه نگاری کودکان است که این رویکرد کاملاً مطابق با اسناد بین‌المللی می‌باشد که در تمامی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی صرفاً هرزه نگاری کودکان جرم انگاری شده است.

۴-۷. اصل ضرر، مزاحمت و پدرسالاری

از دیگر دلایل جرم انگاری هرزه نگاری رایانه‌ای و متعاقب آن کیفرگذاری و کیفردهی به عنوان توجیه و تجویز؛ اصل ضرر، اصل مزاحمت و اصل پدرسالاری است که اصل ضرر به عنوان مهم‌ترین و دو اصل دیگر به عنوان دلایل فرعی می‌باشند (۳۶)، که اصل ضرر به دیگری مهم‌ترین و مشهورترین اصل محدودکننده و چارچوب‌دهنده آزادی است که کسانی معتقد به اصالت فردی‌اند بر پذیرش آن اجماع دارند (۳۷). براساس این اصل رفتارهای افراد انسانی مادامی که به دیگر افراد جامعه ضرری نرساند، نباید جرم انگاری و متعاقب آن کیفرگذاری شود. سیاست‌گذاران جنایی زمانی می‌توانند خلاف اراده شهروندان در زندگی او دخالت کنند که با این ورود و دخالت، ضرری را که متوجه دیگر شهروندان است از میان بردارد و یا اینکه آن را کاهش دهد. از این جهت قانون‌گذار، حق جرم انگاری نسبت به رفتارهای غیراخلاقی و غیرهمسو با هنجارهای اجتماعی را ندارد، زیرا کسی از این رفتارهای غیراجتماعی متضرر نمی‌شود و مرتکبان صرفاً رفتاری غیرمعمول را انجام داده‌اند. نتیجه رویکرد مذکور که مبتنی بر اصل ضرر است این می‌باشد که افراد انسانی جامعه اجازه دارند

باشد و معیار غلط بودن رفتارها نیز باورهای اخلاقی مردم است. بنابراین در فرضی که رفتار آزاررسان اخلاقاً غلط، غیرقابل دفاع و غیردفاع توجیه نباشد، در آن صورت نمی‌تواند از رهگذر جرم انگاری و کیفرگذاری تحدید کرد (۴۴). با توجه به موارد مذکور، به نظر می‌رسد بسیاری از گونه‌های ساده هرزه نگاری در فضای مجازی آسیب‌رسان و ضرررسان نیستند و نباید از ابزار و اهرم‌های حقوق کیفری (جرم انگاری و کیفرگذاری) استفاده کرد و این رفتارهای دور از اخلاق و ضداثرشی را به جامعه مدنی و نهادهای جامعه‌ی تحویل دهیم و از سیستم دولتی-رسمی دوری گزینیم.

«پدرسالاری یا حمایت‌گرایی قانونی» نوعی اقتدار از بالا به پایین به منظور حمایت و هدایت کسانی که در پایین قرار دارند، گفته می‌شود (۴۵). پدرسالاری (حمایت‌گرایی قانونی) از این جهت در اختیار دستگاه تقنینی قرار می‌گیرد تا براساس آن، آزادی شهروندان را به بهانه جلوگیری از اضرار به خویش سلب یا محدود نماید و آن‌ها را از دادن رضایت به دیگران برای ایجاد ضرر به خود باز دارد و یا آنان را به عمل در منافع خویش مجبور سازد (۴۶). از همین جهت است که هرزه نگاری رایانه‌ای بر مبنای حمایت‌گرایی فیزیکی و اخلاقی جرم انگاری و کیفرگذاری کرده است.

۸. فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد در حوزه هرزه نگاری رایانه‌ای نگاه بایستی پیرا حقوقی و توجه به اسناد بین‌المللی برجسته‌تر شود و از نگاه حقوق محض که مبتنی بر جرم انگاری و کیفرگذاری مطلق است خارج شویم و مبارزه با این پدیده بیمارگونه را به نهادهایی همچون روانشناسان؛ روان‌پزشکان؛ و به طور کلی کسانی که با رهیافت پیشگیرانه و اصلاحی و تربیتی است واگذار کنیم.

۹. روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی می و به روش استنادی می‌باشد.

تا زمانی که اعمال و رفتارهایشان زیان‌بار نیست، هرآنچه را که می‌خواهند انجام دهند (۳۸). به طور مثال، اگر قماربازی یا اعتیاد به مصرف مواد مخدر و هرزه نگاری از حالت خصوصی خارج و در عالم بیرون در گذرگاه‌های عمومی نمود داشته باشد، آن موقع حقوق کیفری و ابزار و اهرم آن بایستی وارد شود. حال در مورد هرزه نگاری رایانه‌ای که قانون‌گذار وارد حریم خصوصی افراد شده و نگهداری و ذخیره را جرم انگاری کرده که این هم با دخالت حداقلی حقوق جزا (۸) در تضاد است و هم اینکه ذاتاً ضرر و زیانی به شهروندان نمی‌رساند (۳۹) تا بخواهیم آن را در قلمرو حقوق کیفری قرار دهیم.

«اصل مزاحمت» بر ممنوعیت رفتارهایی تاکید می‌کند که ماهیتاً برای دیگران آزاردهنده هستند، هرچند ضرر محسوس و ملموس به دنبال نداشته باشد. اصل مزاحمت همواره دلیل خوبی برای حمایت از ممنوعیت‌های کیفری، که احتمالاً برای جلوگیری از مزاحمت‌های جدی نسبت به اشخاص ضروری‌اند، و نیز شیوه‌ای کارآمد و مطلوب برای پیشگیری و پایان دادن به آنها فراهم می‌کند (۴۰، ۴۱). این اصل صرفاً اسباب اذیت و آزار دیگران را فراهم می‌کند. از همین جهت، فرهنگ عمومی و عرف حاکم بر جامعه در تبیین مفهوم مزاحمت نقش مهمی را ایفا می‌کند. رفتارهایی مانند توهین علنی، افشای سر، فحشا در علن، و طی با بهائیم در ملاء عام، هرزه نگاری و... از مواردی‌اند که لیبرال‌ها به استناد اصل مزاحمت خواستار جرم انگاری آنها شده‌اند (۴۲). در پاسخ به این اصل می‌توان گفت، اصل مزاحمت به خودی خود توجیه خوبی برای جرم انگاری رفتارهای مذکور و به طور خاص «هرزه نگاری رایانه‌ای» نبوده و اگر هم قصد بر جرم انگاری هرزه نگاری دارد باید با شرایط دیگری همراه باشد. از جمله این شرایط این است که رفتارهای آزاردهنده نسبت به دیگران بسیار شدید و غیرقابل تحمل باشد که در غیر این صورت به صرف اینکه بخواهیم به استناد اصل مزاحمت رفتارهایی همچون هرزه نگاری مبادرت ورزیم، جرم انگاری افراطی را انجام داده‌ایم (۴۳) که تالی فاسد آن تورم کیفری است. به عبارت دیگر، رفتار آسیب‌زننده و آزاررسان باید به لحاظ اخلاقی غیرقابل دفع و غیرقابل توجیه

۱۰. ابزار گردآوری داده‌ها

فیش‌برداری از جمله ابزار گردآوری داده‌های تحقیق است.

۱۱. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با ظهور و بروز فضای جدید تحت عنوان «فضای مجازی»، رفتارهای منحرفانه و مجرمانه‌ی نوظهوری در فضای مجازی به وجود آمد. یکی از رفتارهای خلاف نظم و اخلاق عمومی، «هرزه‌نگاری رایانه‌ای» است که آن را می‌توان از چالش‌های مشترک حقوقی، پزشکی، روان‌پزشکی و روانشناسی دانست. در این وضعیت و با ظهور اعمال و رفتارهای هرزه‌نگارانه در فضای مجازی سیاست‌گذاران تقنینی، اقدام به جرم‌انگاری و متعاقب آن کیفرگذاری هرزه‌نگاری رایانه‌ای و رفتارهای مشابه و مرتبط مبادرت نمودند. متولیان سیاست‌گذاری تقنینی بدون توجه به ماهیت بیمارگونه این پدیده تمامی صور، اشکال و مصادیق آن را وارد زرادخانه حقوق کیفری قرار دادند. نوشتار حاضر برخلاف حقوق کیفری ایران معتقد است؛ اساسا هرزه‌نگاری رایانه‌ای بایستی بیماری و انحراف محسوب شود. از همین جهت، هرزه‌نگاری رایانه‌ای در معنا و مفهوم انحراف (بیماری یا کج‌روی یا رفتار غیراجتماعی) تبیین شد که معیارهای سیاسی، شرعی و اجتماعی که بر مبنای آن هرزه‌نگاری رایانه‌ای جرم‌انگاری شد، با چالش مواجهه شدند و این معیارها امروز قابلیت اجرایی در دنیا جدید و فضای مجازی را ندارند. از سوی دیگر، معیار پزشکی به عنوان معیار برتر با رویکرد پیشگیرانه، اصلاحی، درمانی و تربیتی به متولیان سیاست‌گذاری پیشنهاد شد. هم‌چنین دلایل جرم‌انگاری هرزه‌نگاری رایانه‌ای اعم از؛ دلایل حمایت از ارزش‌های سیاسی، شرعی، اجتماعی و اصل ضرر امروز کارکرد اصلی خودشان را از دست داده‌اند و با از بین رفتن معیارها و دلایل جرم‌انگاری این پدیده، به نظر می‌رسد هرزه‌نگاری رایانه‌ای بایستی وصف مجرمانه‌اش زدوده شود. با خروج هرزه‌نگاری از نظام عدالت کیفری، نهادهای جامعوی و هیات‌های اجتماع با پاسخ‌های جامعوی نظیر؛ تقبیح عمومی، فشار نهادهای مردمی، پاسخ-دهی پزشکان و روانشناسان، سرزنش خانواده و نهادهای

غیررسمی نتیجه‌ای مثبت و مطلوبی را می‌توان انتظار داشت. با ورود پاسخ‌های جامعوی، درمانی، تربیتی، پیشگیرانه و اصلاحی متعاقب انحراف و بیماری محسوب شدن هرزه‌نگاری رایانه‌ای، تبعات و آثار مخرب پاسخ‌های دولتی نظیر؛ اقتدارگرایی، امنیت‌گرایی و بی‌ارزش شدن کیفرها نیز از بین می‌رود. فلذا به متولیان سیاست‌گذاری جنایی پیشنهاد می‌شود با نگاه چندبعدی به هرزه‌نگاری رایانه‌ای، از نگاه تک بعدی حقوقی محض خارج شوند و مبارزه با این پدیده را به نهادهای جامعوی با رویکرد پیشگیرانه، درمانی و اصلاحی بسپارند. در نهایت به عنوان پیشنهاد حقوقی به نظر می‌رسد مبارزه با این پدیده را بایستی به نهادهای اصلاحی و درمانی با رویکرد تربیتی واگذار کرد؛ البته در مبارزه با هرزه‌نگاری کودکان اقدامات کیفری و استفاده از سازوکارهای جرم‌انگاری، کیفرگذاری و کیفردهی ضروری است.

۱۲. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله بنده را یاری نمودند، به ویژه استاد محترم راهنما و مشاور کمال تقدیر و تشکر را دارم.

۱۳. سهم نویسندگان

صالح غفاری چراتی نگارش و تالیف مقاله حاضر را انجام داد که با راهنمایی اسماعیل هادی‌تبار و مشاوره سیدابراهیم قدسی است. گفتنی است مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری صالح غفاری چراتی تحت عنوان "هرزه‌نگاری در فضای مجازی در نظام عدالت کیفری ایران" است که با راهنمایی اسماعیل هادی‌تبار و سید ابراهیم قدسی در تیرماه ۱۳۹۹ در دانشگاه مازندران با موفقیت دفاع شد.

۱۴. تضاد منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی از سوی نویسندگان اعلام نشده است.

References:

1. Ghaffari Cherati S, Ekradi S. Preventing Cyber Fraud: Obstacles and Ways to Fix It. Tehran: Raham Andishe Publication; 2016. [Persian].
2. Elsan M. The Rights of Cyberspace. Tehran: Danesh City Press; 2018. [Persian].
3. Celdy A. Crime and Prevention Deviation. Social Welfare Quarterly. 2005;25(5):260-262. [Persian].
4. Ahmadi H, Nikpoor Ghanavati L. Application of qualitative methods in the study of social deviations. Journal Of Social Sciences. 2004;9(5):1-12. [Persian].
5. Downs R. Criminal justice in the criber crimes. 3 ed. London: Cambridge University Press; 2007.
6. Najafi Abrandabadi A. Criminal Policy Lesson Reports. Tehran: Shahid Beheshti University; 2005. [Persian].
7. Akbari M, Ghana F. Causes and Effects of Government Response to Deviation in Iranian Criminal Policy. Journal adalat University of adalat. 2017;1(1):11-40. [Persian].
8. Ghulami H. The Principle of Criminal Law. 3 ed. Tehran: Mizan Publishing; 2013. [Persian].
9. Norbaha R. Field of Criminology. 2 ed. Tehran: Ganj Danesh Publications; 2014. [Persian].
10. Rajjian asli M. Strategic Explanation of Withdrawal and Delay in Criminal Law Intervention. Law Journal of Justice. 2006;9(44):93-118. [Persian].
11. Giddens A. Sociology. 3 ed. Tehran: Ney Press; 2011. [Persian].
12. Najafi Abrandabadi A. Encyclopedia of Criminology. Tehran: Ganjo danesh Publishing; 2018. [Persian].
13. Danesh T. Who is the criminologist? 5 ed. Tehran: Kayhan Publications; 2017. [Persian].
14. Parsa M. The Field of Psychology. Tehran: Payvand Publications; 2009. [Persian].
15. Douglas C. Criminal Behavior. Tehran: NAJA Publication; 2004. [Persian].
16. Goodarzi F. Forensic Medicine. 1 ed. Tehran: Einstein Publishing; 2018. [Persian].
17. Ghodsi Z, Mojtahed Soleimani A. Cybercrime Against Chastity and Ethics in Family Privacy. Journal of Jurisprudence and Family Law. 2012;7(4):97-118. [Persian].
18. Bai H, Babak P. Legal Jurisprudence Review of Computer Pornography. Islamic Law Journal. 2013;22(45):95-125. [Persian].
19. Qudsi E, Biniiaz M. Audio-visual crime in the realm of chastity and public morality. Journal of Jurisprudence and Islamic Studies. 2002;9(4):97-117. [Persian].
20. Abedi M. Government's Duties on Crime Prevention. Qom: Noor Sajjad Publications; 2018. [Persian].
21. Ali Pour H. ICT Criminal Law. Tehran: Khorsandi Publication; 2019. [Persian].
22. Ghaffari Cherati S, Haditabar I, Ghodsi S. Criminal Analysis of Cyber Pornography in the Iranian Criminal Justice System. Journal of Politics and Law. 2019;26(7):107-112. [Persian].
23. Mill JS. A Treatise on Freedom. Tehran: Scientific and Cultural Publishing; 2017. [Persian].
24. Mir Esfahani T. Legal Jurisprudence Review of Pornography. First Conference on Future Research in Humanities and Social Security; 2018: 4-24. [Persian].
25. Ghafari Cherati S, Zahedian M. Cybercrime: A New Manifestation of Harassment: The Social Prevention of Circuit Growth. International Conference on Passive Defense in Cyberspace; 2016: 2-19. [Persian].
26. Mohammadi H. Purpose and Foreign Policy in Islam. Journal of Religion and Politics. 2016;24(5):117-131. [Persian].
27. Ahmadi P. The Effects of New Communication Technology on Social Education with Emphasis on the Adaptation of Secondary School Students in Tehran High School. Neighborhood of Modern Educational Thoughts. 2004;18(6):13-29. [Persian].
28. Rezaei M, Maleki H. An Investigation of the Teaching Practices of Religious Values on the Internalization of Chastity Value. Journal of Islam and Educational Research. 2012;13(7):101-124. [Persian].
29. Habibzadeh M. Punishment for Prohibition and Its Conflict with the Constitution. Journal of Constitutional Rights. 2003;12(3):1-24. [Persian].
30. Nurbaha R. Application of the Minimum Principle in Criminal Law. Journal of Criminal Law Teachings. 2010;1(1):91-118. [Persian].

31. Ghafari Cherati S, Zahedian M. Unlawful Crime Analysis in Subject Rules. *Journal of Mazandaran Bar Association*. 2016;12(4):25-52. [Persian].
32. Saffar Dastgerdi M. Hijab in Sociological Attitude. *Journal of Women's Strategic Studies*. 2013;22(9):91-106. [Persian].
33. Rahmadl M. *Criminal Law on Drugs*. Tehran: Mizan publication; 2015. [Persian].
34. Eskafi M. A Survey of Youth's Awareness of Citizenship Rights and Responsibilities, and Its Effective Factors in Mashhad. *Journal of Social Sciences, University of Mashhad*. 2009;9(5):1-33. [Persian].
35. Shamali M, Jahangiri M. The Social Demand for Persian-Speaking Satellite TV Patterns Among Iranian Audiences. *Journal of Cultural Research*. 2003;13(6):54-73. [Persian].
36. Panahi M, Ghiasvand A. Sociological Analysis of Citizenship Assessment among Citizens of Tehran. *Journal of Social Analysis of Order and Inequality*. 2015;61(8):45-65. [Persian].
37. Habibzadeh M. Pathology of the Iranian Criminal Justice System. *Journal of Social and Human Sciences*. 2012;41(15):136-169. [Persian].
38. Fannberg J. *The Principle of Damage in Criminal Law*. New York: Oxford University Press; 1984.
39. Hadi Tabar I, Alipour A. Deterrence from Torture and Straying. *Journal of Criminal Law Teachings*. 2013;13(7):127-146. [Persian].
40. Ghafari Cherati S, Zahedian M. Investigating Cybercrime in Cyberspace. *First National Conference on Islamic Teachings*; 2017: p. 1-17. [Persian].
41. Fenberg J. *A Thought in Criminal Law*. New York: Oxford University Press; 1988.
42. Farahbakhsh M. *Utopian Criminalization*. Tehran: Mizan Publication; 2015. [Persian].
43. Abedi T, Afshar F. The Influence of the Media on the Development of Unbounded Instances and Its Solution. *Jurisprudence and Family Law Journal*. 2011;55(14):2-62. [Persian].
44. Heimisch J. *The Principle of Loss in Criminalization*. 2 ed. Tehran: Scale Publication; 2017. [Persian].
45. Farahbakhsh M. *The Impact of Utilitarianism on Criminalization*: University of Tehran; 2006. [Persian].
46. Rostami H. Criminalization and Punishment in the Light of the Liberal Theory. *Journal of Criminal Law Research*. 2015;1(4):55-82. [Persian].



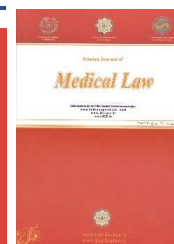
The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal

2021; 15(56): e7.

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Cyber Pornography in the Concept of Disease (Diversion): Criteria and Reasons

Saleh Ghaffari Cherati^{1*}, Esmail Haditabar², Seyed Ebrahim Ghodsi³

1. PhD in criminal Law and criminology, University of mazandaran, Babolsar, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, University of mazandaran, Babolsar, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, University of mazandaran, Babolsar, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 4 November 2020

Accepted: 20 May 2020

Published online: 6 May 2021

Keywords:

Cyber pornography
Disease
Deviation
Medical law
Correction and treatment

ABSTRACT

Background and Aim: Computer pornography means; Committing definite and conditionally reprehensible behaviors is defined as being through computer or telecommunication systems. The definition given by lawyers is based on law and differs from the definition of criminologists, psychologists and psychiatrists. From a legal point of view, computer pornography also has a criminal offense, but from a legal perspective, computer pornography is also included in the concept of disease and perversion.

Materials and Methods: This research is a qualitative research and uses analytical-descriptive method to examine the criteria and basic reasons for computer pornography. Describing the content through exchange of views and studying the existing theories will form the basis of the discussions. This article is written in such a way that a specific understanding of "computer pornography" will be considered as the main framework, and based on this, positive and negative criteria and the causes of the disease and deviation will be considered in the plant.

Results: The findings of the present article indicate that; Computer pornography seems to be among antisocial behaviors (deviance) and disease. Therefore, by explaining its criteria and reasons, and with the fact that computer pornography is considered a disease, its criminalization and punishment should also be different from the current legal approach. Finally, policy makers are advised to remove other forms of child pornography from the arsenal of criminal law, in addition to child pornography, and to address comprehensive responses with a preventive, therapeutic, and corrective approach under the heading of deviation and disease.

Ethical considerations: The present article from beginning to end to ethical principles; It adheres to honesty, confidentiality and the principle of material and intellectual property.

Conclusion: Basically, computer pornography should be considered a disease and a perversion. The medical standard as a superior standard with a preventive, corrective, therapeutic and educational approach to policy makers is more effective. Also the reasons for the criminalization of computer pornography, including; The reasons for supporting political, religious, social values and the principle of harm have lost their main function today, and with the disappearance of the criteria and reasons for criminalizing this phenomenon, it seems that computer pornography (except child pornography) Its criminal character must be removed. With the removal of pornography from the strict penal system, public institutions and community delegations with comprehensive responses such as; Public condemnation, pressure from grassroots institutions, accountability of physicians and psychologists, family reprimands, and informal institutions can all lead to a positive outcome. With the arrival of comprehensive, therapeutic, educational, preventive and corrective responses following the deviation and disease of computer pornography, the consequences and destructive effects of government responses such as; Authoritarianism, securityism, and the devaluation of punishments also disappear. Therefore, it is suggested that with a multidimensional view of the phenomenon of computer pornography, they move away from a purely one-dimensional legal perspective and leave the fight and prevention of this phenomenon to comprehensive institutions with a preventive, therapeutic and corrective approach. Finally, as a legal-criminological proposal, it seems that the fight against this phenomenon should be left to correctional and medical institutions with an educational approach; Of course, in the fight against child pornography, criminal measures and the use of criminalization, punishment and punishment mechanisms are necessary.

* Corresponding Author:

Saleh Ghaffari Cherati

Address: University of Mazandaran,
Babolsar, Iran.

Postal Code: 47416-13534

Telephone: 11-32285801

Email: salehghafari93@gmail.com

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Ghaffari Cherati S, Haditabar E, Ghodsi SE. Cyber Pornography in the Concept of Disease (Diversion): Criteria and Reasons. *Medical Law Journal* 2021; 15(56): e7.